

چند خط برای «هواتو دارم»

## خوب و پر فایده

حسن مجیدیان

نویسنده



چنین کتاب سازنده ای که مورد تحسین رهبر انقلاب قرار گرفته، نیاز به تمجید امثال من ندارد. کتاب، خودش گویاست و زبانش رسا اما امثال من، سخت به چنین کتاب‌هایی نیاز دارند تا در این صفحات و کلمات، عمق و بعد فاصله شان از شهدا را ببینند. همین جوان‌های دهه هفتادی سبقت جسته از همه، همین بچه‌های مدافع حرم، همین‌ها که تاریخ و زمانه ما را ورق زدند و ساختند. کتاب هواتو دارم در متن و ساختار، ادعایی ندارد. ساده و روان و بی‌دست انداز است. نویسنده اگرچه توانست و در آثارش نشان داده که روایت، قلم و کلمه را می‌شناسد؛ ولی در دام پیچ و اطناب‌های ادبی و ساخت و پاخت یک مجموعه فاخر نیفتاده است.



توقع‌سازی‌های برخی چهره‌ها و رسانه‌ها، برخی نویسنده‌ها را به جای روایت سالم و بی‌دست انداز، انداخته به دام کتاب‌سازی‌های پرازادهای ادبی و ردیف کردن کلمات سنگین و پرچگالی در کنار هم. اما هواتو دارم آیین‌وار، بی‌لکنت و بی‌روتوش، روایتی ناب، خواندنی و حسرت‌برانگیز از ۱۰ سال زندگی مشترک شهید مرتضی عبداللّهی و همسرش رابیش چشم‌ماگذاشته است. مرتضی در این کتاب، سیر دارد. همان که ما نداریم. او حرکت کرد، درس خواند، کار یافت، زن گرفت، حرفه آموخت، جوانی کرد، رفت و آمد داشت و پیشرو بود و یک روز هم درجا ننشست و به در و دیوار کوبید، سپاه قدسی شد، مدافع حرم و شهید! و همین را کتاب خوب نمایانده است. همین را اگر فهم کنیم، کتاب را و زندگی این شهید را فهمیده‌ایم. شهید مرتضی عبداللّهی که در نوع خودش اعجوبه‌ای است؛ از آن شخصیت‌هاست که می‌تواند دستمایه آثار دیگر و حتی چیزی مثل یک فیلم سینمایی جذاب شود. با همه خوبی کتاب اما این اشکال هم در برخی فرازهای کتاب پیدا می‌شود که برخی روایت‌های غیرضروری و کم فایده (مثل لقمه گذاشتن در دهان شهید و...) هم در کتاب به چشم می‌خورد. چیزهایی که حذف‌شان، کتاب را معتبرتر و زیباتر می‌کند. با همه صدق و راستی راویان، اما ذکر خواب و رویاها هم می‌تواند اثر را از تاثیرگذاری ببندازد. شاید برخی از کتب شهدا با شهادت آنها بسته شود؛ بهتر باشد!

هواتو دارم برای زوجین است. برای جوان‌ها. بچه‌های بی‌تجربه و خلاصه برای هرکسی که سودا و خیال و ادعا و عشق شهیدانه زیستن دارد. کتاب متبرکی که ای بسا زندگی خواننده اهل فهم را زیر و رو کند؛ کتاب خوب پرفایده.

گذری بررمان «خار و میخک» نوشته شهید یحیی سنوار

## حماسه بزرگ زنان غزه

الهام رضایی

مرورنویس



کتاب «خار و میخک» نوشته شهید عزیز «یحیی سنوار» است. تجدید چاپ ترجمه این کتاب برای چندمین بار در مدت کوتاه، نشان دهنده عطش

مخاطبان ایرانی به کتاب‌هایی با محور مقاومت است.

شاید با شنیدن نام نویسنده، مخاطب این پیش‌زمینه فکری را در سر داشته باشد که این کتاب فقط قصه عذاب و شکنجه اسارت است. تصور خود من هم قبل از مطالعه این بود که زود از کتاب خسته می‌شوم و قصه برایم جذابی نیست. نخواهد داشت اما ترجمه درست و اصولی کتاب به کوشش دکتر کریم شنی و همچنین قلم توانای یحیی سنوار، شما را با خود همراه خواهد کرد.

یحیی سنوار، شخصی است که سال‌های زیادی در اسارت به سر برده و از او جز این نمی‌توان انتظار داشت که درد و رنج و شکنجه در اثرش به تصویر کشیده شود ولی این کتاب، تلفیقی از شادی و غم است. عروسی خاله و خواستگاری و عروسی برادران احمد، دست و صورت بوسیدن‌های مادر احمد با خواهران و برادرانش و... همه شادی‌های شیرین و دلچسبی است که در تمام داستان دیده می‌شود.

مردمی که با جنگ و سختی‌هایش بزرگ شده‌اند

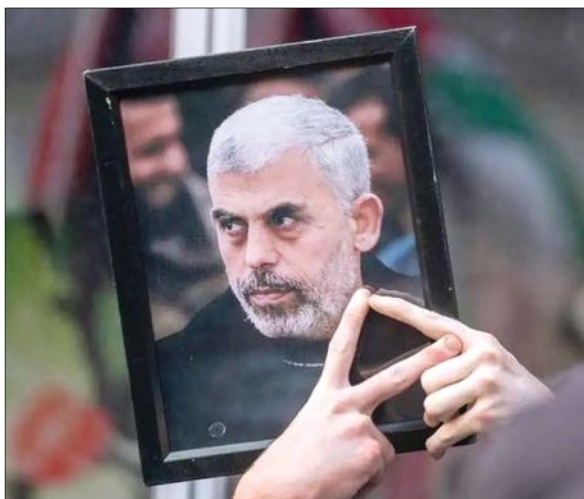
مردم فلسطین از دیرباز با جنگ و آوارگی آشنا بوده و هستند و اگر اکنون یک دنیا شاهد مقاومت عجیب و مثال‌زدنی این مردم است، صد البته به خاطر این است که این مردم با جنگ و سختی‌هایش بزرگ شده‌اند. یحیی سنوار می‌خواهد تاریخ آوارگی‌ها و مظلومیت فلسطین را از زبان کودکی به نام احمد روایت کند، احمد در یک اردوگاه پناهندگان در نوار غزه زندگی می‌کند و با جنگ و مقاومت کم‌کم بزرگ می‌شود. فلسطینی‌های زیادی به دلیل آوارگی در اردوگاه‌های کرانه باختری، اردن و غزه به سر می‌برند. پناهنده شدن و آوارگی تنها یک روی سکه است، روی دیگر آن فقر، گرسنگی و محرومیت است. اردوگاه‌ها مشرف به دریای بود و در زمستان‌های سرد و سخت وقتی موج‌های سنگین دریا به خانه‌های اردوگاه سرازیر می‌شد، مادر و پدر احمد نمی‌دانستند اول کدام یک از پنج فرزندشان را از خفه شدن در آب دریا نجات دهند.

جنگیدن با سلاح کلمات

گرچه یحیی سنوار در ابتدای کتاب، این نکته را یادآور می‌شود که این قصه، قصه زندگی او نیست ولی با خواندن بخشی از کتاب به راحتی می‌توان احساس کرد اکثر اتفاقات این کتاب، مقابل دیدگان نویسنده یک بار اتفاق افتاده است. تمام دردها و رنج‌ها... تمام شادی‌ها و خوشی‌ها... تمام چشم‌انتظاری مادران و اسارت جوانان... تمام گرسنگی‌ها و محرومیت‌ها و... یا اگر این طور نبوده، یحیی سنوار این خاطره‌ها را از زبان کسانی شنیده که برای‌شان اتفاق افتاده است. یحیی در زمان و مکانی اسلحه به دست، با صهیون می‌جنگد و در کتابش با کلمات. او می‌خواهد با شخصیت‌پردازی و خلق یک اثر ادبی از دیده‌ها و شنیده‌هایش، یک دنیا را از اسارت و مظلومیت فلسطین آگاه کند. او می‌خواهد دشمن فلسطین را به یک دنیا بشناساند و آنهایی که هنوز در خواب رسانه‌های بیگانه و غرب زده به سر می‌برند را بیدار کند و بگوید

کتابی دیگر از این مترجم

کتاب «زندان خون» تألیف دکتر نضال الصالح (زاده ۱۹۵۷ حلب) از دیگر کتاب‌هایی است که دکتر کریم شنی آن را ترجمه کرده است. «حبس الدم» (زندان خون) نام زندان بزرگ و تاریخی حلب است؛ آب‌انبار بزرگ رومی (بیزانسی) که بعدها بخشی از آن در دوره عثمانی تبدیل به زندان و پس از اشغال فرانسویان قتلگاه انقلابیون و نماد اشغالگری و بیداد در تاریخ حلب و مسمابه «حبس الدم» شد؛ زندانیان در این حفره‌ها می‌شدند تا از سرما، رطوبت و گرسنگی و تشنگی



دشمن فلسطین، تنها دشمن فلسطین نیست، صهیون یک خطر غیر قابل انکار برای تمام جوامع بشری است.

اشک‌ها و لبخندها

یحیی سنوار از زبان احمد کوچک، تمام وقایع و تاریخ فلسطین را از سال ۱۹۴۸ در مانش بازگو می‌کند. تمامی وقایعی که خانواده احمد را متأثر کرده است. از همان جنگی که ابتدای کتاب بر پا شد، عموی احمد شهید، پدرش مفقودالثر، برادر و شوهر خاله‌اش هم به جنبش‌های مقاومت می‌پیوندند و به دنبال آن به زندان و اسارت گرفتار می‌شوند. انتخاب یک کودک برای روایت داستان از طرف یحیی سنوار، انتخاب هوشمندانه‌ای است که بگوید سهم کودکان از دنیا جنگ و آوارگی نیست. دررمان خار و میخک، خواننده شاهد اشک‌ها و لبخندهاست، عزاها و عروسی‌ها و... و این تضادهاست که داستان را جذاب و خواندنی‌تر می‌کند. در داستان یک کاراکتر قهرمان نیست بلکه مادر احمد، حسن، محمود، ابراهیم، پدر بزرگ و... هر کدام در نقش و موقعیت خود یک قهرمان مثال‌زدنی هستند. زن‌ها دوشادوش مردها خالق حماسه‌های شگفت می‌شوند. پدر احمد به جنگ با اشغالگران رفته، مفقودالثر می‌شود و مادر علاوه بر سرپرستی پنج فرزند خود، به امور پدر بزرگ و دویتیم برادرشوهرش نیز مشغول است و این یعنی، حماسه زنان غزه از مردان‌شان اگر بزرگ‌تر نباشد کوچک‌تر نیست.

شرایط سخت روح انسان‌ها را بزرگ‌تر، تاب‌آوری‌شان را بیشتر و در یک کلام انسان‌ها را انسان‌تر می‌کند. مردم غزه اکنون در بدترین شرایط زندگی به سر می‌برند ولی بسیار در رسانه‌ها دیده شده که کودکی بر ویرانه‌های خانه‌اش قرآن می‌خواند، زنی پیکر نوزادش را خود به خاک می‌سپارد و در این شرایط مردم هنوز مقاومت می‌کنند و در مقابله با ظلم و ستم، علمداران دیگر مردم کشورها می‌شوند.

هیچ‌کس باور نخواهد کرد که زنی محجبه، نوزادی شیرخواره و کودکی معصوم و مردی که تنها برای حفاظت از خانواده‌اش سلاح برداشته، تهدیدی برای صهیونیست باشد؟

زجرکش شوند! دکتر نضال الصالح (۱۹۷۰ - ۲۰۲۳)

نویسنده (نویلیست) و منتقد ادبی مشهور سوری با مدرک دکترای نقد ادبی مدرن مدتی ریاست اتحادیه نویسندگان عرب را به عهده داشته است. از نضال الصالح تا به حال ۲۳ عنوان کتاب پژوهشی و ادبی منتشر شده است که ۱۰ عنوان از آن رمان و داستان کوتاه است. فضای رمان حبس الدم درواقع ادامه رمان دیگر او به نام «جمر الموتی» (سنگ مردگان) است.

